

یک رسانه صهیونیستی درباره مسن ترین پادشاه انگلیس نوشت

چارلز سوم حسن نیت خود را به اسرائیل ثابت کرده است

سحر سماوات
روزنامه‌نگار

تعریف شده و هرکس که با آن مخالفت کند، به یهودستیزی متهم می‌شود. پروفیسور ورنون بوگدانور، دانشمند علوم سیاسی و مورخ که استاد کالج کینگز لندن است، بیان می‌کند که پادشاه جدید با جامعه یهودیان انگلیس روابط طولانی داشته است. حمایت‌های مستقیم و عملی پادشاه از خیریه‌هایی مانند World Jewish Relief (بازوی بشردوستانه یهودیان بریتانیا) و حضور تاریخی‌اش در مراسم انتصاب افرایم میرویس به عنوان عضو ویژه گروه‌های صهیونیستی است که احتمالاً می‌تواند برای سیاست‌های تجاوزگرانه رژیم اشغالگر از سوی انگلیس جنبه حمایتی داشته باشد. در این مطلب به ابعاد این روابط پرداخته خواهد شد.

در حالی که شاهزاده چارلز پس از مرگ ملکه الیزابت دوم در روز پنجشنبه در ۹۶ سالگی، پس از ۷۰ سال سلطنت قابل توجه به عنوان ملکه، قرار است تاج و تخت را به عنوان پادشاه چارلز سوم به دست گیرد، یک امتیاز بسیار بزرگ خوانده است. علاقه پادشاه پیر به جامعه یهودی متقابل بوده است. از سال ۱۸۰۱، یهودیان انگلیس در بخشی از مراسم شاجاریت دعایی را برای خانواده سلطنتی در روز شبات می‌خواند.

چارلز بارها در حضور عمومی خود در رویدادهای یهودی به این موضوع اشاره کرده، بویژه در پذیرایی گسترده‌ای که از جامعه یهودی در کاخ باکینگهام در هانوکا در سال ۲۰۱۹ انجام داد. رابطه سلطنت بریتانیا و جامعه یهودیان این کشور رابطه‌ای عادی نبوده است.

آن گونه که تایمز اسرائیل بیان می‌کند، چارلز روابط پایداری با رهبران و مؤسسات صهیونیستی بریتانیا دارد و علاقه شدیدی به داستان‌ها و درس‌های هولوکاست نشان داده است. وی در سال‌های اخیر دیدارهای گرمی با دو رئیس‌جمهور اسرائیل داشته و در سفری تاریخی در سال ۲۰۲۰ به این کشور سفر کرده است.

در نوامبر ۲۰۲۱، آیزاک هرترزوک، رئیس‌جمهور اسرائیل طی یک سفر رسمی به بریتانیا با چارلز ملاقات کرده بود و در مورد تغییرات آب و هوایی، تهدیدات منطقه‌ای و آموزش هولوکاست گفت‌وگو کردند. هرترزوک در «هدیه‌ای ویژه» به سلطنت انگلیس، بورسیه پرستاری در دانشگاه اورشلیم را به پرنسس آلیس اعلام کرد. چارلز در سخنانی با رهبران جهان که در مجمع جهانی هولوکاست در اورشلیم گردهم آمده بودند، نیز

حاضر شده بود و به طور ضمنی نسبت به هولوکاست و ضرورت توجه به آن تأکید کرد. چارلز در گذشته نیز در مورد خطرات افزایش صهیونیست ستیزی که او آن را یهودستیزی می‌خواند هشدار داده بود. چارلز همچنین به لرد جاناتان ساکس، خاخام ارشد سابق انگلیس نیز نزدیک بود.

پس از مرگ ساکس در سال ۲۰۲۰، مرگ او به عنوان یک «ضایعه غیرقابل جایگزین» سوگاری کرد و گفت: من و او دقیقاً معاصر بودیم؛ در سال تأسیس کشور اسرائیل به دنیا آمدیم و در طول سالیان متمادی، برای نصیاح او ارزش زیادی قائل بودم.

جالب اینجاست که چارلز در سفر سال ۲۰۲۰ خود به اسرائیل از کرانه باختری رود اردن نیز دیدن کرد و با رهبران فلسطینی دیدار کرد. او سپس گفت که از دیدن «رنج» و «سختی» که فلسطینی‌ها متحمل شده‌اند، دلش شکسته است! اسکای نیوز انگلیس در رپورتاژی اعجاب برانگیز چنین دیداری را بزرگ‌ترین نمایش حمایتی یکی از اعضای خانواده سلطنتی از فلسطینی‌ها خواند که تاکنون انجام شده است! البته او هیچگونه توضیحی در این خصوص نداد که نظرش درباره تجاوزهای رژیم صهیونیستی

به فلسطینیان و اراضی اشغالی چه بوده و تنها در جملاتی عوام‌فربانه ابراز کرد: «من فقط می‌توانم به شما و همه جوامع در دعای شما برای صلحی عادلانه و پایدار پیوندم. ما باید با ایمان و عزم به دنبال این آرمان باشیم و برای التیام زخم‌هایی که

باعث این دردها شده است تلاش کنیم!»
تامز اسرائیل، چارلز سوم را دوست یهودیان بریتانیا و دارای روابط خاص و تاریخی با اسرائیل معرفی کرده است؛ این رسانه صهیونیستی می‌نویسد: با درگذشت ملکه الیزابت دوم، بریتانیا پادشاه جدیدی



تامز اسرائیل

دارد که در سن ۷۳ سالگی مسن‌ترین فردی است که بر تاج و تخت بریتانیا نشسته است. چارلز مدت‌هاست که رابطه خوبی با یهودیان بریتانیا داشته و در سال‌های اخیر نیز حسن نیت خود را با اسرائیل تقویت کرده است.

آیا باید منتظر بحران سوخت مجدد در صنعا باشیم؟

یمن به سمت فاجعه انسانی پیش می‌رود

رشید حداد
کارشناس ارشد مطالعات یمن



نشانه‌های بحران سوخت برای اولین بار از آغاز ماه آوریل گذشته در خیابان‌های صنعا، پایتخت یمن آشکار شده است و پایان تنها تأثیر مثبت آتش‌بس بشردوستانه ناشی از اجرای مفاد توافق را تأیید می‌کند. توقیف کشتی‌های سوختی و عدم اجازه ورود آنها به بندر حدیده پس از شکست سازمان ملل در دستیابی به هر گونه پیشرفتی در روند آتش‌بس در طول بیش از پنج ماه از ورود می‌تواند وضعیت بین صنعا و کشورهای متجاوز سعودی-اماراتی را به حالت انفجار برساند.

توقیف کشتی‌های سوختی در حالی اتفاق می‌افتد که چهارمین دور مذاکرات با حمایت دفتر نماینده بین‌المللی هانس گراندربرگ در پایتخت اردن برای بازگشایی مسیرها و تلاش‌های سازمان ملل برای آغاز پروازهای جدید از صنعا شکست خورد، جایی که سازمان ملل قصد داشت سفرها از صنعا به حیویتی را راه‌اندازی کند اما پس از ۴۸ ساعت از اعلام این برنامه، کشور حیویتی با صدور بیانی‌های از این روند انصراف داد.

همه این اتفاقات، شانس موفقیت تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را که اخیراً نمایندگان آمریکا و سازمان ملل با هدف گسترش چهارچوب مذاکرات و تمدید آتش‌بس به شش ماه انجام داده‌اند، از بین برده است.

وزارت نفت دولت صنعا، کشورهای متجاوز را به تلاش برای از بین بردن آتش‌بس و تلاش برای بهره‌برداری از آن برای غارت ثروت نفتی استان‌های جنوبی متهم کرد و در یک کنفرانس مطبوعاتی به بررسی نقش‌های مرتکب در دوره آتش‌بس پرداخت. وی سازمان ملل و جامعه بین‌المللی را مسئول عواقب جلوگیری از ورود کشتی‌ها به بندر حدیده در پرورنده بشردوستانه در یمن دانست.

شرکت نفت صنعا تأیید کرد که جریمه تأخیر کشتی‌ها در دوره آتش‌بس به ۱۱ میلیون دلار افزایش یافته است و بیان کرد که کل کشتی‌هایی که از ۲ آوریل تا ۲ اوت به بندر حدیده رسیدند، ۳۳ کشتی از ۵۴ کشتی توقیف شده بوده است.

عصام السید، سخنگوی وزارت نفت یمن گفت که در طول یک ماه گذشته و پس از تمدید مجدد توافق هیچ کشتی سوختی وارد بندر الحدیده نشده است. وی در ادامه بیان کرد که این شرکت سیستم اضطراری را به‌عنوان یک ضرورت برای مدیریت باقی مانده سوخت قرار داده است.

متوکل، سازمان ملل متحد و مکانیسم بازرسی آن در حیویتی را به همدستی با دزدی دریایی نیروهای متجاوز در واردات سوخت از طریق دادن اطلاعات کشتی‌ها پس از اعطای مجوز ورود به بندر حدیده به کشتی‌های نظامی متجاوز متهم کرد. وی خاطر نشان کرد: «نماینده سازمان ملل از ابتدای سال گذشته تاکنون با وجود تعهد او به انجام تعهدات هیچ تلاشی برای ورود کشتی‌های مشتقات نفتی به بندر حدیده انجام نداده است.»

شرکت نفت صنعا تأیید کرد که کشورهای متجاوز دو کشتی دیزلی اختصاص داده شده به برق در شهر ساحلی حدیده، چهار کشتی دیزلی دیگر، یک کشتی گاز مایع و دو کشتی بنزینی (همچنین یک کشتی دیگر پس از این یادداشت) علاوه‌بر داشتن مجوزهای سازمان ملل را برای ورود به بندر حدیده، بدون هیچ توجیهی توقیف کرده‌اند و به سواحل حیزان عربستان سعودی برده‌اند.

در حقیقت، بازگشت بحران مشتقات نفتی به صنعا و استان‌های تحت کنترل جنبش انصارالله به تأثیرات مثبت آتش‌بس پایان داده و بحث گسترده‌ای را در خیابان‌های یمن درباره معنادار ادامه حفظ این آتش‌بس پس از این بحران به راه انداخته است. کشنگران اجتماعی و سیاسی شمال از شورای عالی سیاسی و دولت نجات ملی در صنعا خواستار از سرگیری عملیات شکست محاصره هوایی که در اوایل ماه مارس در پاسخ به محاصره و با استفاده از موشک‌های بالستیک و بالدار و پهپادها، تأسیسات حیاتی و آرامکوی سعودی را در مناطق ریاض، جده، یمنع، ابها، خمیس مشیخ، حیزان ... هدف قرار داد، شدند.

نگاهی به ابعاد برافراشتن پرچم سفید رژیم صهیونیستی در برابر جهاد اسلامی فلسطین

هدف بعدی مقاومت، مبارزه برای حفظ حریم مسجدالاقصی است

میر شفیق
پژوهشگر حوزه فلسطین

السعدی و اسیر خلیل عاوده به جهاد اسلامی بدهند که البته این وعده‌ها بدون تعهدی الزام‌آور برای طرف صهیونیستی بود. بدین گونه، حملات ۳ روزه دشمن صهیونیستی نتیجه‌ای جز ترور دو فرمانده گروهان‌های قدس یعنی تیسیر الجعبری و خالد منصور نداشت تا مقامات اسرائیلی، اینگونه آن را دستاویزی برای کسب آرای بیشتر در انتخابات آینده کنست قرار دهند. اما این هدف هیچ ارتباطی به اثر گذاری بر موازنه قوی یا بر آوردی صحیح از نتایج جنگ اخیر که جنگ «وحدت میدان‌ها» نیز نامیده می‌شود، ندارد. هرچند شهادت دو فرمانده خسارت بزرگی است، اما بلافاصله فرماندهانی دیگر جایگزین خواهند شد و همانند تمامی مواردی که فرماندهان مقاومت به شهادت رسیده‌اند، این مسأله نه تنها موجب تضعیف نیروهای مقاومت نمی‌شود، بلکه قدرت معنوی و تاکتیکی بیشتری نیز به آنها خواهد بخشید. کسی بر سر اینکه این نبرد شکستی برای دشمن صهیونیستی بود، اختلاف نظر ندارد؛

تا اینکه زمینه برای آرام‌سازی اوضاع فراهم شود. اما در حالی که مذاکرات با مصری‌ها در جریان بود و هر لحظه احتمال آرام‌سازی اوضاع بین جهاد اسلامی و رژیم صهیونیستی افزایش می‌یافت، ناگهان این رژیم عملیاتی نظامی را علیه برافراشتن پرچم سفید رژیم صهیونیستی آغاز کرد. برخی نویسندگان و تحلیلگران به بررسی نتایج عملیاتی نظامی علیه غزه پرداخته‌اند؛

برخی آن را پاسخی به نبرد سیف‌القدس استراتژی «وحدت میدان‌ها» دانسته‌اند. برخی نیز هدف آن را ایجاد اختلاف بین حماس و جهاد اسلامی بیان کرده‌اند. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که برخی اصرار دارند که آنچه دشمن به آن اقدام کرد را بزرگ جلوه دهند و اعلام کنند که این رژیم اهدافی راهبردی را در این تجاوز دنبال کرد.

اما اگر این افراد به نوشته‌های خود نگاهی بیندازند و آن را در مقایسه با تجربه تجاوزات دشمن و نتایج آن بررسی کنند، متوجه خواهند شد که برآورد آنها با واقعیت به هیچ وجه همخوانی ندارد. برخی هم ادعا می‌کنند که حماس و جهاد اسلامی در اداره این نبرد اشتباه کردند یا اینکه از اهمیت مواضع آنان در قبال آن می‌کاهد. برخی نیز فرصت را برای ادامه عملیه حماس، غنیمت شمرده و عدم مداخله آن در این نبرد را خالی کردن پشت (جهاد اسلامی) می‌دانند و در این رابطه تحلیل‌هایی نیز ارائه می‌دهند و شک و تردیدهایی را مطرح می‌کنند؛ همچنین برخی جهاد اسلامی را مورد حمله قرار داده و می‌گویند که این جنبش نوار غزه را بدون توجه به موازنه قدرت‌ها و اوضاع حاکم بر این منطقه وارد جنگ کرد و حرف و حدیث‌های فراوان دیگری که از این طرف و آن طرف شنیده می‌شود.

نکته مهم این است این افراد (نویسندگان و تحلیلگران) این را در نظر نگرفته‌اند که آنچه اتفاق افتاده، براساس تفاهم صورت گرفته بین طرفین (جهاد اسلامی و حماس) بوده نه براساس تقسیم نقش‌ها و اینکه هر یک از طرفین موضع مشخص خود را داشته باشد، بدین گونه که جهاد اسلامی با حملات موشکی پاسخ دهد و در مقابل، حماس پاسخ دهد؛ اما با توجه به اینکه این جنبش ستون فقرات مقاومت و پیشرو آن به شمار می‌رود، معادله‌ای را در این نبرد حفظ خواهد کرد که در نهایت به شکست دشمن منتهی خواهد شد. (البته همواره با مداخله در جنگ در صورت لزوم)

رهبران مقاومت باید به فکر بررسی چالش‌های راهبردی و تاکتیکی مراحل از موازنه قدرت آن است

که متکی به این نباشد هر یک از طرفین جقدر نیرو و سلاح در اختیار دارد؛ این مسأله اهمیت دارد، اما اصل مسأله، بر آورد موازنه قدرت با استناد به معادلات منطقه‌ای و جهانی از یک طرف و بررسی دشمن نیست.

همچنین مهم کردن جهاد اسلامی به خالی کردن پشت جهاد اسلامی خجالت‌آور است، چرا که این جنبش در هر جنگی با دشمن مشارکت داشته و در پیشرفت و قدرت گرفتن مقاومت همواره حرف نخست را زده است. این نبرد همچنین درستی موضع حماس را ثابت کرد، مبنی بر اینکه اجازه دهد جهاد اسلامی با قدرت این تجاوز را پاسخ گوید و همزمان خود نیز پاسخی مستقیم نداشته باشد و اگر لازم بود وارد عمل شود.

نیازی هم به بررسی جزئیاتی که در ورای مواضع هر یک از جنبش‌های حماس یا جهاد اسلامی وجود دارد، نیست.

مهم این است که متهم کردن حماس به خالی کردن پشت جهاد اسلامی خجالت‌آور است، چرا که این جنبش در هر جنگی با دشمن مشارکت داشته و در پیشرفت و قدرت گرفتن مقاومت همواره حرف نخست را زده است. این نبرد همچنین درستی موضع حماس را ثابت کرد، مبنی بر اینکه اجازه دهد جهاد اسلامی با قدرت این تجاوز را پاسخ گوید و همزمان خود نیز پاسخی مستقیم نداشته باشد و اگر لازم بود وارد عمل شود.

همچنین مهم کردن جهاد اسلامی به خالی کردن پشت جهاد اسلامی خجالت‌آور است، چرا که این جنبش در هر جنگی با دشمن مشارکت داشته و در پیشرفت و قدرت گرفتن مقاومت همواره حرف نخست را زده است. این نبرد همچنین درستی موضع حماس را ثابت کرد، مبنی بر اینکه اجازه دهد جهاد اسلامی با قدرت این تجاوز را پاسخ گوید و همزمان خود نیز پاسخی مستقیم نداشته باشد و اگر لازم بود وارد عمل شود.

نیازی هم به بررسی جزئیاتی که در ورای مواضع هر یک از جنبش‌های حماس یا جهاد اسلامی وجود دارد، نیست.

مهم این است که متهم کردن حماس به خالی کردن پشت جهاد اسلامی خجالت‌آور است، چرا که این جنبش در هر جنگی با دشمن مشارکت داشته و در پیشرفت و قدرت گرفتن مقاومت همواره حرف نخست را زده است. این نبرد همچنین درستی موضع حماس را ثابت کرد، مبنی بر اینکه اجازه دهد جهاد اسلامی با قدرت این تجاوز را پاسخ گوید و همزمان خود نیز پاسخی مستقیم نداشته باشد و اگر لازم بود وارد عمل شود.



الجزیره

جنگی بزرگ بود و اگر طرحی برای ورود به یک جنگ بزرگ داشت، حماس و جهاد اسلامی به طور همزمان وارد آن می‌شدند و سیاست‌های شکست خورده این رژیم هرگز نمی‌توانست بین این دو جنبش اختلاف بیندازد. هدف از این مقاله ارائه بر آوردی صحیح از موازنه قدرت ایجاد شده بین دشمن صهیونیستی و مقاومت فلسطین در نوار غزه است؛ نخست در عرصه قدس و کرانه باختری و دوم در عرصه فلسطینی، عربی و اسلامی به طور عام. مسأله سوم این است که رهبران مقاومت باید به فکر بررسی چالش‌های راهبردی و تاکتیکی مراحل آتی باشند. بر آورد صحیح از موازنه قدرت آن است که متکی به این نباشد هر یک از طرفین جقدر نیرو و سلاح در اختیار دارد؛ این مسأله اهمیت دارد، اما اصل مسأله، بر آورد موازنه قدرت با استناد به معادلات منطقه‌ای و جهانی از یک طرف و بررسی دشمن صهیونیستی از نظر نقاط ضعف و موانعی است که این رژیم با وجود آنها، قادر به ورود به جنگ‌های بزرگ نیست.

مهم این است که متهم کردن حماس به خالی کردن پشت جهاد اسلامی خجالت‌آور است، چرا که این جنبش در هر جنگی با دشمن مشارکت داشته و در پیشرفت و قدرت گرفتن مقاومت همواره حرف نخست را زده است. این نبرد همچنین درستی موضع حماس را ثابت کرد، مبنی بر اینکه اجازه دهد جهاد اسلامی با قدرت این تجاوز را پاسخ گوید و همزمان خود نیز پاسخی مستقیم نداشته باشد و اگر لازم بود وارد عمل شود.

نیازی هم به بررسی جزئیاتی که در ورای مواضع هر یک از جنبش‌های حماس یا جهاد اسلامی وجود دارد، نیست.

مهم این است که متهم کردن حماس به خالی کردن پشت جهاد اسلامی خجالت‌آور است، چرا که این جنبش در هر جنگی با دشمن مشارکت داشته و در پیشرفت و قدرت گرفتن مقاومت همواره حرف نخست را زده است. این نبرد همچنین درستی موضع حماس را ثابت کرد، مبنی بر اینکه اجازه دهد جهاد اسلامی با قدرت این تجاوز را پاسخ گوید و همزمان خود نیز پاسخی مستقیم نداشته باشد و اگر لازم بود وارد عمل شود.

نیازی هم به بررسی جزئیاتی که در ورای مواضع هر یک از جنبش‌های حماس یا جهاد اسلامی وجود دارد، نیست.

نیازی هم به بررسی جزئیاتی که در ورای مواضع هر یک از جنبش‌های حماس یا جهاد اسلامی وجود دارد، نیست.